

یادداشت سردبیر

سالی که گذشت

اوائل اسفند ۸۱ تلفن محل کارم در سازمان میراث فرهنگی به صدا درآمد، گوشی را که برداشتم، صدای آقای ایرانی، مدیر مسؤول محترم فصلنامه آینه میراث و مدیر مرکز نشر میراث مکتوب در گوشم طنین انداخت. پس از سلام و تعارف به دفتر مرکز دعوتم کردند و متعاقب آن پیشنهاد سردبیری فصلنامه آینه میراث که مصادف بود با بازنشستگی پس از ۳۰ سال خدمت که قریب به ۲۷ سال آن در کتابخانه ملی و در بخش‌های مختلف و چند سال آخر در بخش انتشارات؛ اما تجربه‌ای در انتشار نشریه نداشتیم. با شک و دو دلی و با قید انتشار یکی دو شماره ظرف شش ماه اول سال ۸۲ پذیرفتم، چنانکه مقبول افتد به کار ادامه دهم.

چنین بود که بعد از بازنشستگی از آغاز سال ۸۲ در دفتر فصلنامه آینه میراث شروع به کار کردم. تصورم بر این بود فصلنامه‌ای که ۱۹ شماره از آن نشر یافته، باید آرشبو غنی از مقالات چاپ نشده داشته باشد که چنین نیافتم.

به هر صورت دست به کار شدم، شنیدم که مقاله‌ای به دفتر نشریه خواهد رسید و آنهم نقدی بر آخرین تصحیح من تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفا اثر میر خواندو... نادیده و ناخوانده پذیرفتم چاپش کنم.

نویسنده مقاله از روی جلد شروع کرده بود به انتقاد، از گیومه بسته نشده روی جلد: «میرخواندو، و اینکه «اهل تاریخ جمع و تفریق بلد نبوده‌اند» که بدرستی روشن نبود که مراد مصحح است یا مؤلف؛ و تصحیح را «رونویسی شتابزده و کم دقت» خوانده بود، تا اعراب گذاری و ضبط اشعار در متن و اینکه:

آن کس که نیست صاحب این پایه از علوم

پای از گلیم خویش فزونتر چرا کشد

بگذریم، مقاله‌ای نبود و آنچه بود چنین می‌نمود، سالی که نکوست از بهارش پیداست.

کارم را از تغییر قطع فصلنامه شروع کردم و شماره اول بهار (۲۰) «ویژه‌نامه تاریخ علم» به سردبیری مهمان دکتر آقایانی چاوشی اختصاص دادم که آماده بود و فرصتی برای من که به جمع‌آوری مقالات بپردازم. و یکی دو مقاله که به داوری رفته بود و حال برگشته. سردبیری که نخستین شماره از انتشار نشریه‌اش با سردبیر مهمان شروع می‌شد.

شماره دوم فصلنامه (۲۱) برای تابستان نیز آماده شد و همراه مقاله مزبور به چاپ رسید که به اندک زمانی نامه تندی از نویسنده محترم مقاله را در پی داشت؛ آنهم با این اتهام بر سردبیر که گویا توانسته بود «این چنین هنرمندانه مقاله را خراب کند» و به عمد عباراتی را حذف کرده بود. و این است عبارت حذف شده:

در کار تصحیح متون اگر گفته شود کتابی برای بار دوم یا چندم تصحیح شده و به چاپ رسیده است، بی‌تردید این مسئله به ذهن می‌رسد که لابد چاپهای پیشین چنان کم‌مایه، پر اشکال و یا فاقد معیارهای واقعی تحقیق بوده که محقق بر آن شده است تا بر پایه اصول مسلم تصحیح و تحقیق، زحمت تصحیح دوباره آن را بر خود هموار سازد و در صدد برآید متنی منقح به خوانندگان علاقه‌مند ارائه کند و نیاز اهل تحقیق را به آن اثر برآورده سازد. این امر آن‌گاه که پای اثری ارزشمند در میان باشد از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و انتظار خوانندگان، به ویژه اهل تحقیق را دو چندان می‌کند. حال اگر در این میان نیز آگاهی حاصل شود که شماری از صاحب‌نظران درباره این اثر به داوری نشست‌اند و بر آن مهر تأیید نهاده‌اند و آن را به عنوان کتابی برگزیده معرفی کرده‌اند، دیگر نه جای تردیدی در مورد ضرورت باز چاپ آن باقی می‌ماند و نه شبهه‌ای در برتری این اثر نسبت به چاپهای پیشین، و خواننده نیز می‌تواند با خیالی آسوده به این کتاب اعتماد کند و به خاطر موفقیت مصححش به او دست مریزاد گوید.

همین انگیزه‌ها و پیش فرضها، نگارنده را بر آن داشت تا مشتاقانه چاپ

جدید روضه الصفا را به دست آورد....

البته هیچ هنری در کار نبود و سردبیر بی تقصیر، چرا که متن مقاله ایشان از دیسکت مرحمتی حضرتشان به چاپ رسیده بود.

افزون بر این تلخی‌ها، کار سردبیری، دلچسپی‌های ویژه خود را نیز در پی داشت که از آن جمله به دعوت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برای بازدید از مرکز مرمّت کتابخانه می‌توان اشاره کرد که دیدار از استاد کاران تحصیل کرده و مجرب، در کنار دستگاه‌های جدید مرمّت به همراه آقای علی اوجیبی مدیر تولید محترم مرکز، به راستی که هر جان خسته‌ای را به نیکی می‌نواخت؛ و طرفه آنکه این دعوت، دستامد مصاحبه‌ای بود که در اختتامیه «چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی» با ایسنا داشتم و کوتاه شده آن در روزنامه جام جم منتشر گشت.

گفتنی است که قبل از پذیرش سردبیری نشریه، از دبیرخانه کمیسیون ارزیابی نشریات علمی در وزارت علوم، تقاضای مجوز «علمی - ترویجی» شده بود که در پیگیری، ایرادهای چند دبیرخانه و شیوه انتشار نشریه مطرح شد. پس با این توضیح که قطع نشریه و اعضای هیئت تحریریه تغییر خواهد یافت، قرار بر آن شد که دو شماره منتشر و آنگاه به دریافت مجوز اقدام شود که در نهایت پس از انتشار سه شماره، شماره پیش‌رو، مجال اخذ آن را یافت.

در طول سال گذشته سلسله نشست‌هایی نیز در مرکز نشر میراث مکتوب برگزار شد که جمعاً به ۱۰ نشست رسید و با استقبال مدعوین و شرکت کنندگان روبرو شد و در سال آتی مطالب بیان شده این نشست‌ها به چاپ خواهد رسید. این نشست‌ها، در عین حال زمینه چاپ ویژه‌نامه‌ای درباره شبه‌قاره - هند و پاکستان - را فراهم آورد که به سردبیری مهمان آقای دکتر عارف نوشاهی در سال آتی منتشر خواهد شد.

همچنین باید از مسأله چگونگی نقدنویسی بر آثار احیاء شده از طرف منتقدین محترم یاد کرد؛ به ویژه با در نظر گرفتن شیوه نقدنویسی در ایران و انواع قالب آن:

۱. دوستی و همکاری و یار غاری منتقد با مصحح یا پدید آورنده اثر که

صرف تعریف و تمجید را در پی دارد.

۲. اندیشه حسابرسی که از آغاز تیشه بر ریشه مصحح می‌زند؛ و اهمیت

اثر و معرفی اثر و عیب و هنر تصحیح را در نظر نمی‌گیرد.

بنابراین، سردبیر کوشید که با سفارش مقالات و درخواست از استادان معظم، گامی

جدید بردارد و در این راه با چاپ دو سه نقد خوب از استادان بزرگوار، آقایان دکتر علی اشرف صادقی، دکتر جلال الدین کزازی و دکتر بهروز ثروتیان به راه جدیدی قدم گذارد. نقدهایی که به درستی، ارزش واقعی اثر و اهمیت آن را در نظر داشته و کاستی‌ها را از دیدگاه خود بدون حبّ و بغض بیان کردند. باشد که در این راه موفق و پیروز باشیم.

